

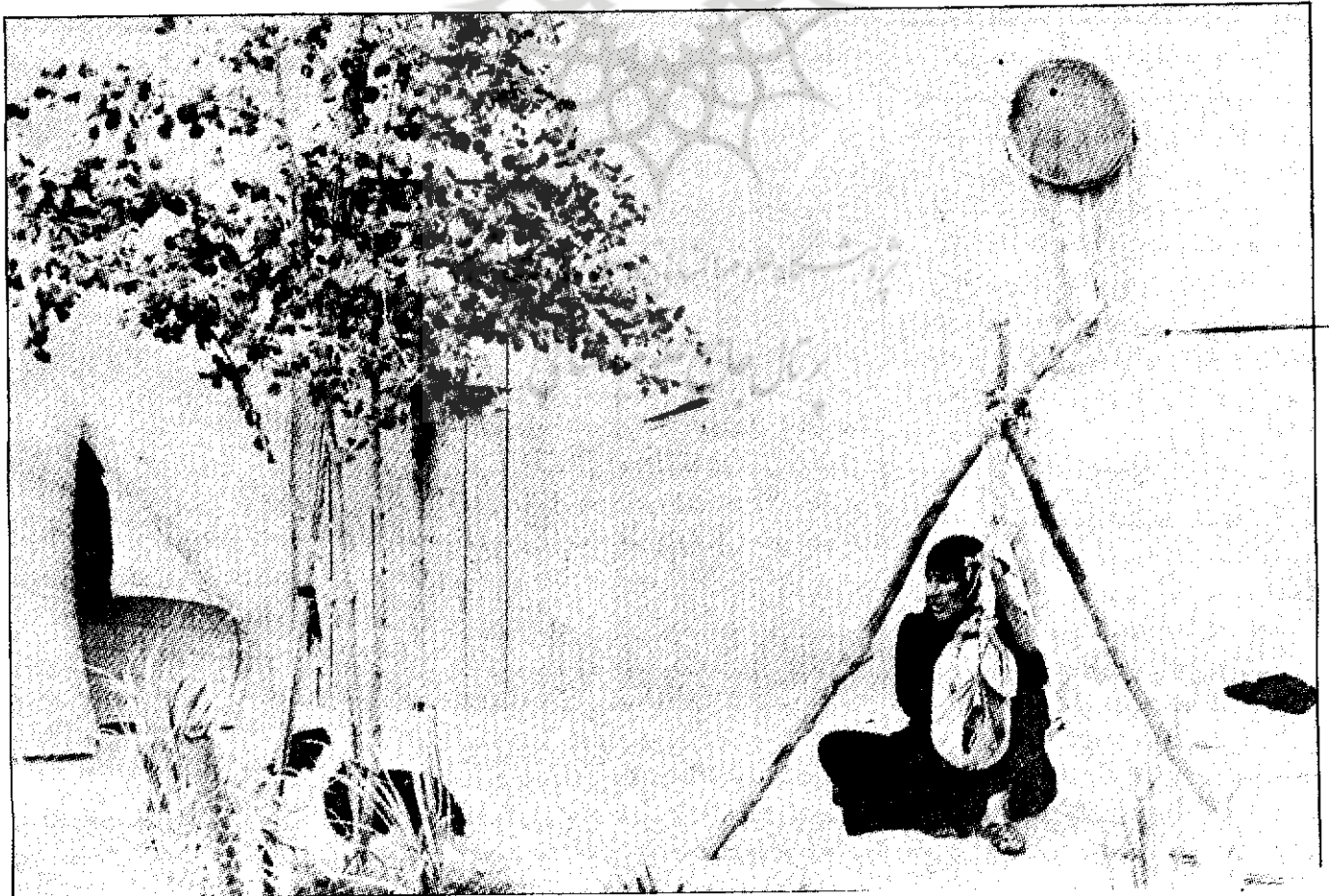
# روستا

● بنظر میرسد که توجه به یک ملاک برای تعریف روستا کافی نیست و باید مجموعه ای از ملاکها، نظیر ساختمان اجتماعی، اقتصادی و نحوه زندگی و روحیه فرهنگ مردم را در تعریف روستا محسوب کرد.

● بدلیل وجود تماسهای غیررسمی و دوستانه، وسعت کم و تنجاس اجتماعات روستائی و عوامل دیگر، فشار اجتماعی حاکم بر مناطق روستائی بسیار قوی است... در صورتیکه در مناطق شهری کنترل بیشتر از طریق ادارات رسمی و قانونی صورت می گیرد.

● تنوع معیشت در جوامع روستائی محدود است، زراعت، دامپروری، باغداری و صنایع دستی الگوی اساسی معیشت را تشکیل میدهد. این خود موجب عدم تنوع مشاغل است که بر عکس آن در جوامع صنعتی و شهری افراد معمولاً در یک یا دو رشته متخصص بوده و مشاغل بیشتر تخصصی است.

● یک زارع معمولاً به تنهایی بایستی انواع مهارتها نظیر: محافظت خاک، انتخاب و کشت بذر، سمپاشی، وجین، تعمیرکاری ادوات کشاورزی، نگهداری احشام و بالاخره مانند یک اقتصاددان و متخصص کشاورزی، مدیریت واحد مزرعه و حمل و نقل و فروش محصول، توزیع و برنامه ریزی عمومی را برای واحد زراعی خود، داشته باشد.



در ادامه این سلسله مباحث، در فصل تعاریف، در گذشته به مفاهیم توسعه و تمرکز اشاراتی داشتیم که در این بخش از تعاریف، به روستا خواهیم پرداخت.

لزوم شناخت هر چند سطحی از مزایا و احیاناً معایب جامعه روستائی در کنار حقایق آشکاری که در زندگی شهری و شهرنشینی وجود دارد، در تدوین اهداف برنامه توسعه و چگونگی دستیابی به آن، بسیار حائز اهمیت می باشد.

بنظر می رسد هر چند این دو ساخت اجتماعی و اقتصادی (شهر و روستا) در شکل تکامل یافته و طبیعی خودشان، دارای تناقضی نسبت به یکدیگر نیستند، اما علیرغم این ایده آل در بسیاری از جهات فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، صرفنظر از فقر و محرومیتی که در ابعاد گوناگون به روستاهائی همچون روستاهای کشور ما تزریق و تحمیل شده، نمی توان مزایای زیستن در جامعه روستائی را نسبت به شهرنشینی (از نوع شهرهای خودمان را) مُرتجح ندانست.

به هر تقدیر بنظر می رسد، یک جمع بندی در سطح وسیع، روستا در برنامه ریزی رشد و توسعه کشور، می بایست از جایگاه ویژه ای برخوردار باشد که پس از فصل تعاریف به چگونگی آن انشاء... خواهیم پرداخت.

### تعریف روستا

در بستر مباحث مربوط به جایگاه روستا در رشد و توسعه پس از ارائه تعریف توسعه، توجه به تعریف روستا و بیان ویژگیهای شهر در این سلسله بررسیها از اهمیت خاصی برخوردار است. زیرا پس از این همواره از واژه های شهر و روستا استفاده خواهد شد و ضروری بنظر می رسد که تعلق خاص خویش را از این اصطلاحات بطور صریح بیان نماییم. از طرف دیگر اهمیت جایگاه روستا و شهر در این مباحث ما را به تبیین موقعیت و منزلت هر کدام در جامعه گذشته و همچنین در جامعه توسعه یافته در ابتدای بررسی ملزم می نماید. بر این اساس، ضمن ارائه تعریف عامی از روستا به ذکر خصوصیات شهر و روستا خواهیم پرداخت.

در جامعه بشری نخستین واحد مکانی که به ظهور رسید، ده بوده است، ده از روزی پدیدار شد که دسته های کوچ نشینی انسانی که قبلاً به شکار و دامپروری اشتغال داشتند به کشاورزی آگاهی یافتند و بدین منظور دست از خانه دوشی برداشته و در قطعه زمینی سکونت حاصل کردند. ده را قدیمی ترین جامعه پابرجای انسانی بحساب آورده اند. ظهور ده یا دهکده مبداء تحولات عظیمی در زندگی بشر و روابط اجتماعی گردید و به عقیده جامعه شناسان استقرار گروههایی از مردم بر زمین و ظهور و رواج کشاورزی سبب شد که ترکیب اجتماعی و روابط افراد و نوع فرهنگ جامعه تغییر عمیقی پیدا کند... با توجه به آنچه گفته شد ده واحد سکونت جامعه کوچکی از روستائیان است و معمولاً یک واحد کشاورزی است و اقتصادی کم و بیش بسته و به خود متکی دارد. البته بر این حکم و تعریف استثناء فراوان است.

اولاً پاره ای جامعه های روستائی است که چندین هزار جمعیت را در خود جای داده است. اما معذالک از نظر شیوه زندگی با مردم شهر متمایزند. ثانیاً با پیشرفت صنعت، پاره ای دهات یافت می شوند که جمعیت فعال آن روزها را برای فعالیت صنعتی یا کشاورزی مکانیزه به نقاط دورتری می روند و شب هنگام برای استراحت بازمی گردند. این نوع دهات را می توان در هلند فراوان پیدا کرد. ثالثاً در کمتر کشوری، اقتصاد روستائی سر بسته مانده است و همه نیازمندیهای مردم ده از درون جامعه ده برآورده نمی شود.

برخی از جامعه شناسان و پژوهشگران جامعه روستائی بمنظور تعریف ده



ملاکهای گوناگونی را قرار داده اند مثلاً: تعداد جمعیت، نوع معیشت، ساخت اجتماعی و اقتصادی و... را مبنای تعریف خود قرار داده اند. بعضی از جامعه شناسان روستائی حداقل جمعیت ده را ۲۵۰ نفر شمرده اند و کمتر از آن را مزرعه و یاد هکده خوانده اند. در مورد ساخت اقتصادی، اختلاف کار و معیشت و نحوه اقتصاد را ملاک قرار داده اند. این دسته از جامعه شناسان، مشاغل کشاورزی و یا مشاغل مربوط به آن را بعنوان ملاک تعریف قرار داده اند بنظر می رسد که توجه به یک ملاک برای تعریف ده کافی نیست و باید مجموعه ای از ملاکها نظیر ساختمان اقتصادی، اجتماعی و نحوه زندگی و روحیه فرهنگ مردم را در تعریف ده محسوب کرد و ما در ارائه تعریف ده در ایران از مجموعه ملاکهای مذکور سود جستیم.

ده محل سکونت گروه نسبتاً کوچکی از مردم از لحاظ اداری کمتر از ۵۰۰ نفر که از لحاظ اقتصادی و اجتماعی و سیاسی دارای روابطی با یکدیگر هستند. بطوریکه این روابط در داخل محدوده محل سکونت آنان نوعی انسجام میان پدید آورده است. در اکثر مناطق روستائی ایران هر ده از تعدادی سازمان تولید کشاورزی تشکیل شده است و روستائیان به فعالیتهای کشاورزی در این واحدها می پردازند. ملاک اساسی در تشخیص سازمان هر ده نسق (قواعد و نظام عرفی و حقوقی در استفاده از آب و زمین در اراضی مزروعی آبی و دیمی) آن بشمار می رود که از لحاظ تاریخی به حق استفاده از منابع آب و خاک ده توسط دهقانان آن ده، تعریف شده است.

آنچه در تعریف فوق آمد نظرات جامعه شناسی مربوط به این مقوله بود. اما در روند مباحث روستا کانون رشد و توسعه، که ملزم به تفکیک شهر و روستا جهت شکل گیری جامعه توسعه یافته، هستیم. وجه تمایز شهر و روستا را در



برنامه ریزیها و جذب امکانات اقتصادی و غیره، مواجه نمودن روستا را با سیاست عدم تمرکز و غیرروستا را با تمرکز دانسته، که در این زمینه در آتی بحث خواهد شد.

اما خصوصیات و ویژگیهای شهر و روستا که از بیان آنها، در بررسیهای آینده بهره خواهیم جست در مأخذ فوق<sup>۲</sup> که بعضی از آنها گزینش شده چنین آمده است:

### خصوصیات جامعه روستائی:

— نزدیکی به طبیعت:

«وضعیت کاری و فضای زندگی در ده، ایجاب می کند که انسان روستائی همواره با طبیعت در ارتباط بوده و بطور مداوم با عوامل طبیعی نظیر باران، سیل، یخبندان، گرما، طوفان که هیچگونه کنترلی بر آنها ندارد به مبارزه برخیزد.

برای زارعان این عوامل بسیار حیاتی هستند. از اینرو روستائیان ممکن است یکسری قرار دادها و پندارهائی برای خود ایجاد کنند که با طرز فکر و نحوه زندگی مردم شهر که از طبیعت بدور هستند بسیار متفاوت است و بعبارت دیگر در ده نزدیکی انسان با محیط طبیعی بیشتر است و حال آنکه در شهر برخورد انسان با محیط انسانی است. بهمین جهت روستا را محیط طبیعی و شهر را محیط فنی دانسته است. در روستا، زمین، اساس و پایه حیات اقتصادی را تشکیل داده و انسانی که به کار روی زمین می پردازد. به سختی در انقیاد محیط طبیعی قرار داشته و پایبند زمین است.

— تنوع شغلی:

شغل عمده ساکنان ده در اکثر نقاط روستائی دنیا، زراعت است و فعالیتهای غیرکشاورزی در مناطق روستائی از لحاظ اقتصادی در درجه دوم اهمیت قرار دارد. در بعضی مناطق، زراعت بمشابه شغل و یا صنعت محسوب می شود. در حالیکه در مناطق دیگر زراعت نوعی شیوه زندگی و یک شغل خانوادگی است.

تنوع منابع معیشت در جوامع روستائی محدود است، و زراعت، دامپروری، باغداری و صنایع دستی الگوی معیشت را تشکیل میدهد. این خود موجب عدم تنوع مشاغل است بهمین دلیل است که برعکس جوامع صنعتی و شهری که افراد معمولاً در یک یا دو رشته، متخصص بوده و مشاغل بیشتر تخصصی است، تقسیم کار در روستا، توسعه نیافته است و یک زارع معمولاً به تنهایی بایستی انواع مهارتها، نظیر: محافظت خاک، انتخاب و کشت بذر، سمپاشی، وچین، تعمیرکاری ادوات کشاورزی، نگهداری احشام و بالاخره مانند یک اقتصاددان کشاورزی، مدیریت واحد مزرعه و حمل و نقل و فروش محصول، توزیع و برنامه ریزی عمومی را برای واحد زراعی خود، داشته باشد.

انسجام اجتماعی:

انسجام اجتماعی یا یکپارچگی و وحدت در جوامع روستائی و شهری بوسیله عوامل متفاوتی ظاهر می شود. در مناطق روستائی این امر از ویژگیهای مشترکی نظیر تشابه تجربیات، روابط غیررسمی و غیرقراردادی ناشی میشود. اما در مناطق شهری انسجام اجتماعی براساس تفاوتها و عدم تشابهات، تقسیم کار، اتکاء متقابل، تخصص و یا روابط قراردادی شدیداً رسمی، شکل می گیرد.

کنشهای متقابل اجتماعی:

الگوها و انواع کنشهای متقابل اجتماعی چه از لحاظ کیفی و چه از لحاظ

کمی میان شهر و ده متفاوت هستند. ارتباطات در سطح ده از نوع چهره به چهره، غیررسمی و صمیمی است و تنوع تماسها و قلمرو جغرافیائی برخوردارها در اجتماعات روستائی بسیار محدود است در صورتیکه تماسهای از نوع شهری، عادی، سطحی—رسمی و غیرشخصی است و در مقایسه با اجتماعات روستائی از تعداد و تنوع بیشتری برخوردار است، در مناطق شهری، ارتباطات در قلمرو جغرافیائی وسیعتری صورت می گیرد، و وسائل ارتباط جمعی، که اساساً جزئی از زندگی و در خدمت شهرنشینان می باشد و در سطح ده کارائی چندانی ندارند، از عوامل مهم ایجاد ارتباط و کسب خبر و آگاهی بشمار می روند.

تحرك اجتماعی و جغرافیائی:

در شهر، بعلمت عدم تجانس جمعیت، تمرکز موسسات و سازمانهای بهم وابسته، میزان زیاد تفاوتهای اجتماعی میزان بالائی از تحرك اجتماعی و شغلی در مقایسه با مناطق روستائی دیده می شود.

خود کفائی خانوادگی:

اقتصاد خود کفائی روستا، این امکان را به خانواده روستائی داده تا با تولید مختصری از هر چیز نیازمندیهای اساسی زندگی خود را تأمین کرده به حیات خود ادامه دهد. مثلاً در ایران خانواده در جامعه روستائی نه فقط محل

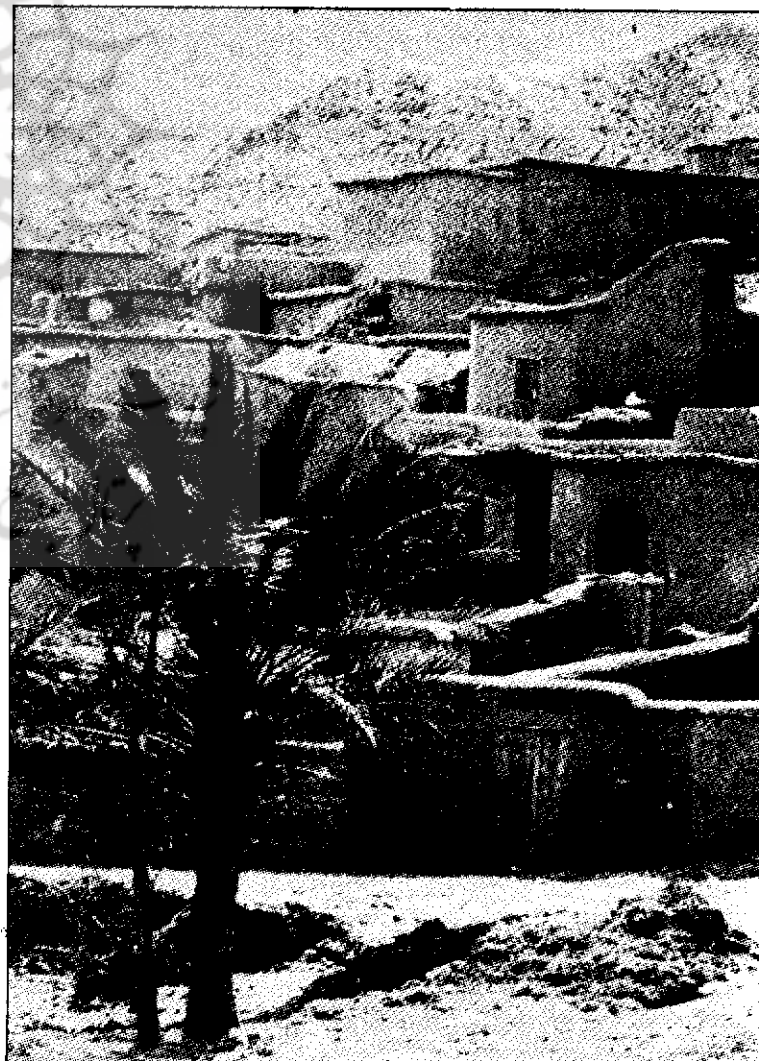


انس والفت، زناشویی، کانون پرورش کودک، و مرکز انتقال بسیاری از میراث‌های فرهنگی ارزشها، هنجارهای اجتماعی و عادات و رسوم و سنت‌های روستائی است. بلکه در عین حال یک واحد اقتصادی بشمار می‌رود که بخش عمده‌ای از نیازمندیهای اساسی زندگی خانواده را از طریق تولید تأمین می‌کند. در واقع گروه کار و گروه خانوادگی در هم ادغام شده است خانواده روستائی هسته اصلی جامعه روستائی را تشکیل می‌دهد، و بعلاوه وظایف متعددی، در زندگی اجتماعی روستائیان اهمیت و نقش بسیار مهمی دارد.

در خانواده سنتی روستائی، فعالیت‌های تولیدی اعضای خانواده وظیفه معینی را برعهده دارند، تقسیم کار در میان اعضای خانواده عمدتاً بر مبنای جنس و سن است. البته زن و مرد در برخی موارد فعالیت مشترک دارند. بطور کلی زندگی در روستا ساده و بی‌پیرایه و خواسته‌ها و نیازهای مردم محدود است و چون از لحاظ امکانات زندگی تقریباً وضع مشابهی دارند، اختلاف سطح زندگی چندانی میان آنان وجود ندارد.

اعمال قدرت نهادهای عرضی:

قانون حاکم بر جامعه روستائی معمولاً همان عرف و قراردادهای محلی است که به مرور زمان بوجود آمده و ثابت و تغییرناپذیر و مقدس است. قوانینی است که پدران بدان عمل کرده و فرزندان نیز باید راه و رسم آنان را دنبال



کنند. جامعه روستائی به نسبت ثابت است و تغییرات در آن به کندی صورت می‌گیرد. و این ناشی از دل‌بستگی روستائی به فرهنگ دیرین و سنت‌های کهن می‌باشد. روستائی به پدیدارهای نو و چیزهای تازه با احتیاط نگریده و در قبول آنها همواره دو دل است. آداب و سنن و رسوم قدیمی سخت حاکم بر رفتار و کردار روستائیان بوده به همین دلیل تغییر و تحول و اقتصادی به کندی صورت می‌گیرد.

کنترل اجتماعی:

بدلیل وجود تماس‌های غیررسمی و دوستانه، وسعت کم و تجانس روستائی و عوامل دیگر فشار اجتماعی حاکم بر مناطق روستائی بسیار قوی است، و نقش فشارهای اجتماعی غیررسمی در ایجاد همنوایی با هنجارهای اجتماعی نسبت به سایر ابزار کنترل اجتماعی بیشتر است، در صورتیکه در مناطق شهری کنترل بیشتر از طریق ادوات رسمی و قانونی صورت می‌گیرد.

در روستا افراد بر رفتار یکدیگر نظارت کامل داشته و این امر در واقع موجب انتظام امور جامعه می‌گردد و فرد خلافکار از طرف جمع مورد سرزنش قرار می‌گیرد.

تعاون:

اساس فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی در روستا بر مبنای تعاون استوار است بعنوان مثال در مراحل مختلف کشت و داشت و برداشت و با احداث مکان‌های عمومی و اجتماعی و مذهبی و نیز مسئله آبیاری این حقیقت بخوبی مشهود است.

ادغام کار و فراغت:

در روستا تفریح و کار اغلب توأم انجام گرفته و فضای کار و فراغت مشترک است.

زمان:

زمان در روستا کندگذر و درازمدت است و روستائی همواره به حرکت بطی و مداوم و مستمر عادت کرده است.

انگاره رهبری:

انتخاب رهبری در مناطق روستائی بیشتر بر اساس ویژگی‌های شخصی افراد صورت می‌گیرد. این امر عمدتاً به دلیل روابط چهره‌به‌چهره و آشنائی‌های دیرینه‌ای است که مردم روستائی با یکدیگر دارند.»

آنچه از بیان ویژگی‌های بارز شهر مستفاد می‌گردد در این است که روستا بخودی خود، بنحاظ اجتماعی و اقتصادی، در حال حاضر زمینه مساعدتری را برای قرار گرفتن پایگاه توسعه اجتماعی - اقتصادی کشور فراهم دارد. که با هدایت و سرمایه‌گذاری‌های اجتماعی اقتصادی در این راستا، تحقق جامعه‌ای توسعه یافته در متن فرهنگ، طبیعی تر بنظر می‌رسد.

ماخذ:

۱ و ۲: دکتر مصطفی ازکیا - جزوه درسی - جامعه‌شناسی روستائی - انتشارات دانشکده علوم اجتماعی و تعاون دانشگاه تهران.